روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

پنجشنبه ۴ شهریور ۱۳۹۵ ■ ۲۲ ذی‌القعده ۱۴۳۷ ■ ۲۵ آگوست ۲۰۱۶ ■ سال هشتم ■ شماره ۱۹۶۴ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان
■ ۱۱۷۷ سال و ۲۴۹ روز گذشت
VATAN-E-EMROOZ ■ VoL.08 ■ No.1964 ■ Thu.Aug.25, 2016 ■ ISSN:2008-2886

خبرگزاری دولتی تأیید کرد
بازداشت عضو بانکی مذاکرات
صفحه ۲

تالاب گاوخونی در سراشیبی مرگ
صفحه ۴

اظهارات تکان‌دهنده وزیر اطلاعات درباره فساد برخی معاونان وزرا و سازمان‌ها
امضای ۵۰ میلیون تومانی
■ روحانی به من گفت وزرا و معاونان وزرا را زیر نظر بگیر
صفحه ۲

تیترهای امروز

تکلیف صفحات انگلیسی مشکوک در قراردادهای نفتی مشخص نیست
۱۵ صفحه ۱۵۰ اشکال!
صفحه ۳

فرمانده کل سپاه:
امروز برخی مدافع رشوه‌گیری شده‌اند!
صفحه ۲

خود درگیری اردوغان در جنگ نیابتی‌اش علیه همسایه
حمله آمریکا، ترکیه و تکفیری‌ها به جرابلس
صفحه ۱۵

رئیس اتاق بازرگانی تهران عنوان کرد
دولت مقصر خوشبینی به برجام
صفحه ۱۶

با پیشنهاد دولت و تصویب مجلس
کارت سوخت حذف شد
صفحه ۳

رهبر انقلاب در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت:
اقتصاد مسأله اول کشور است

■ نباید از قضیه حقوق‌های نجومی به آسانی عبور کرد
■ دولت نباید خود را سرگرم بحث‌های انتخاباتی کند
صفحه ۲

عکس: Leader.ir

دلیل تأکید مکرر رهبر انقلاب بر فتنه و آسیب‌های آن

■ علی‌اکبر عباسی ■

نگاه

از روزهای وقوع فتنه ۸۸ تا امروز بیش از ۷ سال می‌گذرد اما در این مدت رهبر حکیم انقلاب در بسیاری از سخنرانی‌های خود به مساله فتنه و جنایت بزرگی که سال ۸۸ در حق مردم ایران از سوی فتنه‌گران صورت گرفت، اشاره کرده‌اند. علاوه بر سخنرانی‌های مفصل و تبیین ابعاد دقیق فتنه در همان ماه‌های ابتدایی، بعد از آن و تاکنون نیز بسیاری از جلسات و سخنرانی‌های عمومی رهبر معظم انقلاب با اشاره‌ها و تاکیدات ایشان بر مساله فتنه و آسیب‌های آن همراه بوده است به طوری که ایشان در هر سخنرانی حتی ابعاد جدیدتری از فتنه را مورد اشاره قرار می‌دهند.

آخرین نمونه از اشاره رهبر انقلاب به موضوع فتنه به سخنرانی چندروز پیش ایشان در جمع ائمه جماعات مساجد استان تهران بازمی‌گردد. آنجا که حضرت آقا فرمودند: «بعضی کوته‌نظری می‌کنند، کوته‌بینی می‌کنند و همه چیزها را منحصر می‌کنند در دوستی یا دشمنی با یک شخص. یک شخص یا یک جریان چه اهمیتی دارد؟ باید نگاه کرد، جریان‌شناسی کرد، در اغلب کسانی که پایشان می‌لغزد این [جور] است. در ایام فتنه در سال ۸۸ در اول کار، بنده یکی از این سران فتنه را خواستم و به او گفتم که آقاجان، این کاری که شما شروع کرده‌اید و دارید می‌کنید، دست بیگانه‌ها خواهد افتاد و دشمن از این استفاده خواهد کرد، شما حالا به ظاهر درون نظام هستید، با نظام هستید و به قول خودتان دارید یک اعتراض مدنی- من‌باب مثال یک اعتراض به انتخابات ـ می‌کنید اما این کاری که دارید می‌کنید مورد استفاده دشمنان اصل نظام قرار خواهد گرفت، گوش نکرد، یعنی نفهمیدند که چه داریم می‌گوییم، حالا البته این نگاه خوشبینانه بنده است که می‌گویم نفهمیدند، بعضی هم ممکن است جور دیگری فکر کنند. وارد شدند، بعد دیدید از درونش چه درآمد، گفتند: «انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است». خب! حالا عذر بیاوریم که اینها که یک مشت جوان بودند، یک چرندی، یک حرف بی‌ربطی گفتند، نه، این‌جوری نیست. اگر چنانچه در زیر عبای بنده کسی حرفی بزند که من با آن مخالفم، خب بایستی او را از زیر عبایم بیرون کنم، بایستی اعلام کنم که مخالفم والا به‌حساب من گذاشته خواهد شد، همه وزن و وزانتی که صاحب عبا دارد، پشتوانه آن حرف خواهد شد. حرف، اینها است، ببینید! نگاه به مسائل جاری، این‌جوری باید باشد، بصیرت سیاسی که ما می‌گوییم یعنی این. بفهمیم که چه کسی دارد ما را به کجا می‌برد، به کجا دعوت می‌کند، به کجا می‌کشاند».

عوامل مختلفی وجود دارد که موجب شده مقام معظم رهبری به واسطه آنها مدام بر مساله فتنه تاکید کنند و ابعاد آن را مورد مداقه قرار دهند. اولا برخلاف اینکه عده‌ای سعی می‌کنند خود را به تجاهل زده و فتنه را مساله‌ای شخصی و جناحی عنوان کنند، با چهره مهربان و شکسته و خسته هم در بیت رهبری بیایند و هم پیشانی فتنه را ببوسند و تلاش‌شان صرفا این باشد که فتنه را به یک دعوای سطحی که باید فراموش شود تقلیل دهند، بحث فتنه اصل نظام جمهوری اسلامی را نشانه رفته بود و در واقع «مساله ۲۲ بهمن بود، نه ۲۲ خرداد». آنچه در فتنه مطرح بود اصل نظام اسلامی و رای و حق مردم بود، بر همین اساس برای «رهبر»ی که حقوق و رای مردم موضوعیت داشته باشد، یقینا مساله‌ای چون فتنه ۸۸ نمی‌تواند قابل تحمل باشد. فرق می‌کند نگاه رهبر انقلاب به رای و نظر مردم با دیدگاه کسانی که فقط ریاکارانه شعار مردم و حمایت از مردم می‌دهند اما آنگاه که رای مردم برخلاف خواسته‌شان بود، آشوب می‌کنند.

اما یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فتنه ۸۸، پیچیدگی آن است. پیچیدگی فتنه به این نبود که مثلا عده‌ای که نسبت به امام و انقلاب کینه‌های دیرینه داشتند وارد میدان شدند و علیه نظام اقدام کردند. حتی به این هم نبود که عده‌ای فریب‌خورده، از روی ناآگاهی به خیابان‌های تهران ریختند و علیه نظام شعار دادند. بلکه پیچیدگی فتنه جایی بود که آن کسانی که همه آبروی‌شان به برکت اسلام و انقلاب و جمهوری اسلامی است، به جای آنکه به دفاع از نظام و انقلاب و حق مردم بپردازند، خود پرچمدار فتنه و آتش‌بیار معرکه شدند. اقدامات سران فتنه و راس فتنه که خود را حامی امام و انقلاب می‌دانستند و همه آنچه داشتند به برکت انقلاب بود، یک طرف. علاوه بر اینها، کسان دیگری هم که شاید صبغه سیاسی و انقلابی‌شان خیلی مطرح نباشد اما به هر حال افرادی بودند که حرف‌شان شنیده می‌شد و در این کشور شیعی به برکت اسلام و انقلاب اسلامی آبرویی کسب کرده بودند، مع‌الاسف فتنه آنها را هم فریب داد به طوری که اگر موضع آنچنانی در حمایت از فتنه نگرفتند، علیه فتنه هم به گونه‌ای موضع‌گیری نکردند که موجب شفاف‌سازی و کنار رفتن غبار فتنه شود.

پیچیدگی فتنه واقعیتی است که رهبر انقلاب نیز بارها بر آن تاکید کرده‌اند به طوری که طرح مباحثی مانند تشبیه فتنه به جنگ صفین و نقش عمار در آن جنگ، اشاره به تلاش فتنه‌گران برای درست کردن کاریکاتور انقلاب اسلامی در بستر فتنه، تاکید بر بصیرت، تاکید بر نقش خواص و... همگی بیانگر پیچیدگی فتنه است: «هنوز خیلی جا وجود دارد برای تحلیل و تبیین و روشن کردن زوایا و ابعاد این فتنه‌ای که دشمن طراحی کرده بود. دشمن محاسبات خیلی دقیقی کرده بود، منتها خب! محاسباتش غلط از آب درآمد، ملت ایران را نشناخته بود. دشمن در پشت صحنه، همه چیزها را مشاهده کرده بود... به خیال خودشان محاسبه کرده بودند. به گمان آنها بساط جمهوری اسلامی بنا بود جمع شود، نه فقط حقیقت دین، حتی شعارهای دینی هم باقی نماند، برنامه این بود. طراحی این بود که اگر توانستند قاعده دولت را به شکل مطلوب خودشان بچینند که بعد از آن، راه حرکت‌شان روشن بود که چه‌کار می‌کردند، اگر هم قاعده حکومت و دولت طبق میل آنها چیده نشد و برای‌شان ممکن نشد، کشور را به آشوب بکشانند، با خیال خودشان- من یک وقتی گفتم- کاریکاتور انقلاب اسلامی را درست کنند، مثل سایه‌هایی که حرکت یک قهرمان را تقلید می‌کنند، ادای قهرمان‌ها را، ادای انقلاب را دربیاورند، برنامه‌شان این بود. ملت ایران توی دهن اینها زد و بساط اینها را جمع کرد».

رهبر انقلاب بخوبی می‌دانند تا زمانی که در این کشور برای تحقق آرمان‌های امام و انقلاب همت می‌شود، دشمن زخم‌خورده از انقلاب و امام، دست از دشمنی‌اش برنمی‌دارد و تکرار فتنه‌های جدید در آینده، اصلا چیز عجیبی نیست. حتی اگر بگوییم فتنه‌های جدید قالب متفاوتی خواهند داشت اما باز هم نمی‌توانیم کارآیی درس‌ها و عبرت‌های فتنه ۸۸ برای رخدادها و فتنه‌های آینده را انکار کنیم. تاکیدات مکرر رهبر انقلاب بر مساله فتنه در حالی است که در این سال‌ها برخی در داخل کشور مدام اصرار داشتند فتنه و جنایت‌های سران فتنه به فراموشی سپرده شود. آنان که در جریان فتنه هیچ‌گاه تصور نمی‌کردند اینگونه از مردم تودهنی بخورند و توده‌های ده‌ها میلیونی مردم خود بساط فتنه را جمع کنند، حالا که تشت رسوایی‌شان از بام افتاده، به دنبال به فراموشی سپردن آن ظلم‌ها هستند، چرا که می‌دانند یادآوری جنایت تاریخی‌ای که در حق مردم روا داشتند، هیچ‌گاه به نفع‌شان نخواهد بود. این سیه‌رویان تاریخ، در حالی از یادآوری فتنه عصبانی می‌شوند که حاضر نیستند به خاطر جنایت تاریخی‌ای که در حق ملت ایران کردند، از ایشان حتی یک عذرخواهی هم بکنند.

باید توجه داشت تاکیدات رهبر انقلاب بر فتنه و یادآوری آسیب‌های آن، تکلیف دلسوزان کشور و نخبگان انقلابی را نیز مضاعف می‌کند و به آنها یادآوری می‌کند مبادا گذشت زمان موجب شود جنایت سال ۸۸ به فراموشی سپرده شود.

جایی که مسؤولیت به دوش شماست، ژست منتقد و اپوزیسیون نگیرید!

ناامیدان را که امیدوار نکردید، امیدواران را ناامید نکنید!

یادداشت امروز

رضا مشتاقی: وزیر ورزش چند روز پیش در حالی که کار کاروان المپیک ایران هنوز به پایان نرسیده بود، فرمودند: «حد ورزش ایران همین ۴ مدال کسب‌شده است و بیشتر از آن نباید توقع داشت. المپیک لندن یک استثنا بود و جایگاه واقعی ما در ورزش جهان همین است».

در واقع در حالی که هنوز چندین ورزشکار پرامید ایران در مسابقات باقی مانده بودند، گودرزی حد ورزش ایران را همان مدال‌هایی دانست که تا به آن روز کسب شده بود. اظهاراتی که به نظر خیلی‌ها عجیب آمد ولی برای کسانی که با فضای روانی این روزهای دولتمردان آشنا باشند، این سخنان چندان عجیب به نظر نمی‌آید؛ چرا؟

۱- «آلة الریاسة سعة الصدر» فرموده امیرمومنان(ع) است. ابزار ریاست، سعه‌صدر داشتن و تحمل مشکلات و صبر در برابر ناکامی‌ها و زود از کوره در نرفتن و ناامید نشدن است. صفتی که رؤسا گاه نشان می‌دهند از آن بی‌بهره‌اند. پیش از این نیز عتاب و خطاب‌های رئیس‌جمهور و دیگر دولتمردان با منتقدان که حتی دامنگیر دکتر صالحی نیز شد و ایشان را از اظهار نظر در مسائل غیرهسته‌ای برحذر داشت، دولت را در مظان این اتهام قرار داد که از سعه‌صدر لازم برخوردار نیست. در فقره اخیر سخنان وزیر ورزش نیز این امر به وضوح قابل مشاهده است. وزیر ورزش می‌توانستند چند روز - ۳ روز در نهایت - صبر کنند و بعد با مشخص شدن نتایج نهایی کاروان ایران، از جایگاه واقعی ورزش ایران سخن بگویند اما اندک ناملایمات و ناکامی‌ها و نتیجه نگرفتن بعضی ورزشکاران- که برخی‌شان مانند مورد بهداد سلیمی ناشی از علل خارجی هم بود- باعث می‌شود وزیر ورزش برابر دوربین‌ها ظاهر شود و از جایگاه نازل ورزش ایران و استثنا بودن موفقیت‌های قبلی سخن بگوید. اتفاقی که اگر نمی‌افتاد، امروز وزیر ورزش می‌توانست به نتایجی مانند برنز علیزاده و رحیمی و طلای یزدانی افتخار کند اما امروز و بعد از این سخنان، ایشان می‌توانند چنین کنند؟

۲- دولت نشان داده است از اوضاع آنچه زیر دستش در جریان است بی‌اطلاع است. در ماجرای «فیش‌گیت» دولت مدعی بود پس از گذشت ۳سال از روی کار آمدنش از حقوقی که به مدیران ارشد دولت می‌پردازد بی‌خبر است و میراثی است که از دولت قبل برایش به جا مانده است. در داستان سخنان گودرزی نیز این بی‌اطلاعی از اوضاع نمایان است. گودرزی حد و اندازه ورزش ایران را ۴ مدال المپیک می‌داند و به فاصله کمتر از ۴۸ ساعت از بیان شدن این سخن، ۴ مدال دیگر به دستاوردهای کاروان ایران اضافه می‌شود و مجموع مدال‌های ایران را ۲ برابر می‌کند. یک طلا و ۲ برنز که ارزش برنزها بویژه مدال علیزاده کمتر از طلا نیست. باید گفت گودرزی نیز از پتانسیل و امکان مدال‌آوری کاروان ایران بی‌اطلاع بوده است و در سایه این جهل، چنان سخنانی را عنوان کرده است. در غیر این صورت خلاف عقل سلیم و منطق صحیح است که در آستانه افتخارآفرینی قهرمانان‌مان از جایگاه نازل آنها در ورزش جهان سخن بگوییم و مجموعه خود را زیر سوال ببریم!

۳- رویه دولت در توجیه ناکارآمدی‌ها و کاستی‌هایش، استناد به مشکلات دولت قبل است. در سخنان گودرزی نیز همین رویه در پیش گرفته شده است و در توجیه ناکامی کاروان المپیک، به وضع ورزش ایران در ۶۰ سال گذشته استناد شده است. موفقیت‌های قبلی انکار شده و نتیجه ۴ سال پیش کاروان ایران در المپیک لندن که بهترین نتیجه تاریخ ورزش ایران در المپیک‌هاست، یک استثنا دانسته شده است. استثنائی که از نظر جناب وزیر قرار نبوده به قاعده تبدیل شود. از ۴ سال فاصله بین لندن تا ریو، ۳ سال آن در دوران زعامت جناب گودرزی گذشته است، تمام کسانی که در لندن طلا گرفته‌اند در ریو هم حضور داشته‌اند. به علاوه اعجوبه‌هایی مثل کیمیا علیزاده، حسن یزدانی، کیانوش رستمی، سهراب مرادی و الهه احمدی. با چنین پتانسیل نیروی انسانی، کل دستاورد آقای گودرزی باید توجیه ناکامی‌ها با استناد به نتایج ۶۰ سال قبل باشد؟ وزیر ورزش فرموده‌اند: «باید زحمت بیشتری بکشیم. مدیران ورزشی باید بپذیرند که براساس علوم جدید مدیریتی حرکت کنند». باید چنین و چنان شود. بله! آقای وزیر باید چنین می‌شد. به وسیله شما و همکاران‌تان باید چنان می‌شد! حقیقتا جایی که مسؤولیت به دوش شماست، ژست منتقد و اپوزیسیون نگیرید!

۴- نکته دیگر آنجاست که دولتمردان در جهت تخطئه دولت‌های قبل و توجیه خودشان، از انکار نقاط قوت و کارهای درست دولت‌های گذشته نیز ابایی ندارند. در قضیه سخنان وزیر ورزش نیز اینچنین است. نتیجه المپیک لندن شاید به خاطر مدیریت نادرست حضرات به یک استثنا تبدیل شود اما یک اتفاق نبود. به عنوان مثال ۳ مدال طلای فرنگی لندن، حاصل مدیریت صحیح و سپردن کار به کاردان و حمایت از مربی و قراردادن مربی‌های کارکشته دیگر در کنارش بود. چیزی که نبودش در این دوره، چهره اسطوره‌ای آقای خاص کشتی فرنگی را به چهره‌ای شکست‌خورده و گریان بدل کرد و خاطره‌ای تلخ در حافظه جمعی ایرانیان ثبت کرد. اینکه سعی کنیم آن را یک استثنا و یک اتفاق بدانیم، جفا در حق قهرمانانی است که آن نتیجه به یادماندنی را ثبت کردند.

۵- آخرین و شاید مهم‌ترین نکته‌ای که در سخنان وزیر ورزش است، ندای «ما نمی‌توانیم» است که از آن به گوش می‌رسد. ندایی که به جای آنکه موفقیت‌ها را تبدیل به چراغ راه کند، آنها را استثنائاتی می‌خواند که باید فراموش‌شان کرد. ندای عجز و ناتوانی که متاسفانه دارد به صدای واحد دولت تبدیل می‌شود. صدایی که روزی هشدار می‌داد «آمریکا می‌تواند با یک بمب کل قوای مسلح ما را از بین ببرد»، روز دیگر می‌گفت «تنها مزیت رقابتی ما در آبگوشت بزباش است»، جای دیگر توصیه می‌کرد «از خارج مدیر وارد کنیم» و امروز هم گوشزد می‌کند «سهم ما از دنیای ورزش میانگین مدال‌های‌مان در ۱۵ دوره المپیک است و بیشتر از آن توقع بیجا و زیاده‌خواهی است».

با این شاهد مثال‌ها می‌توان گفت اگر فضای روانی و گفتمانی دولت را در ۳ سال اخیر پیگیری کرده باشیم، نه‌تنها از حرف‌های وزیر ورزش تعجب نخواهیم کرد، بلکه غیر از آن را هم انتظار نخواهیم داشت.

آقایان وزرا و مسؤولان دولت تدبیر و امید! این صدای ناامیدی و بی‌تدبیری را باید خاموش کرد. ناامیدان را که امیدوار نکردید، امیدواران را ناامید نکنید.

در شبکه‌های اجتماعی
@vatanemrooz